

قانون تامین امنیت زنان در زندگی زناشویی را پیش بینی نکرده است



عکس: Georige Pauwels

وکیل و پژوهشگر حقوقی - حسین رئیسی

نمی توان در قوانین داخلی حد میانه ای که عدالت را برای هر دو طرف و کودکان "هر گاه سخن از حقوق خانواده به میان می آید معمولاً تامین کند پیدا کرد .

بدون شک قانون گذار برای تنظیم مناسبات حقوقی طرفین ازدواج و تبیین نظام حقوقی جامعه به خصوص برای حل اختلافات و نزاع های احتمالی مسئولیت دارد تا چاره ای عادلانه و منصفانه بیاندیشد. در نظام حقوقی ایران به حل و فصل اختلافات اندیشه شده، اما به تحقق عدالت و انصاف توجه لازم نشده است. در این نوشتار و در ابتدا، به بررسی یک پرونده حقوقی می پردازیم و خواهیم دید، چنانچه نظام حقوقی و دستگاه قضایی به حمایت های مناسب حقوقی می پرداخت و قوانینی مناسب در این زمینه وضع می کرد، شاهد نتیجه "عادلانه و منصفانه ای برای طرفین این پرونده بودیم .

برای تنظیم مناسبات حقوقی طرفین ازدواج و پیش بینی روزهای ناخوشی قانونگذار و در سطح مهمتر نظام حقوقی جامعه مسئولیت دارد تا اندیشه نماید. نزاع ها احتمالی و اختلافات متعدد را پیش بینی و برای آنها چاره ای منصفانه و عادلانه در نظر بگیرد.

در ادامه روزهای ناخوشی، یک خانواده را می بینیم که تنها نظام حقوقی و دستگاه قضایی می تواند به کمک آنها بیاید، اما نبود حمایت های مناسب حقوقی در قوانین نامناسب نتیجه عادلانه و منصفانه را برای طرفین در پی نخواهد داشت.

حاصل این ازدواج دو دختر به کند، دار، 12 سال قبل با سامان 41 ساله، مهندس ساختمان ازدواج می پرنیان 38 ساله، فوق لیسانس و خانه دوست، با احساس، مقید و پایبند به اصول اخلاقی و بسیار جدی و کوشا در تمامی امور نام پریسا و پارمیس هستند. پرنیان زنی خانواده زندگی است؛ زنی که زمانی سامان او را مایه برکت زندگی و سرافرازی خودش می دانست. او از زمانی که سامان به خواستگاری اش همسرش توانست صاحب چند میلیارد سرمایه شود. رود، از لحظه عقد خودش را وقف همسرش کرد و با حمایت او بود که می

درست است که بار مالی خانواده بر دوش پرنیان نیست اما درایت، خوش فکری و اقتدار او موجب شد همسرش بتواند به ثروت زیادی دست یابد.

که پدرش دو همسر داشته و او پسر بزرگ زن دوم است. سامان بهره چندانی از محبت ای بزرگ شده بشنود ازال سامان، او در خانواده کرد. با پرنیان، در خانه دوستش زندگی می ندیده و حتی چند سال قبل از ازدواج پدر و مادر

از همان شب عقد، سامان ساک دستی اش را به خانه پدر و مادر پرنیان انتقال می دهد و سالها پسر آن ها محسوب می شود.

کرده است، اما اکنون گرفتار اعتیاد شده و برخی شب شده فعالیت می بد نیست بدانید که سامان ورزشکار بوده و در حد قهرمانی شناخته نشینی ها با افراد معتاد او را به مواد مخدر وابسته تر کرده است.

گیرد. در آخرین های او شده و مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می کند، قربانی خشونت پرنیان هر بار که با اعتیاد شوهرش مخالفت می بند طلای او را به زور از گردنش کشیده و داخل دستشویی ریخته، گردن اش مورد شوهر معتادش او را کتک زده، داروهای گران قیمت

بدون هیچ پولی او را از خانه بیرون انداخته بود.

کردن دو دخترش سپری شده است و نتوانسته در اکنون پرنیان هیچ سهمی از زندگی ندارد درحالی که دوازده سال از عمرش به بزرگ بیرون از خانه کار کند، در ابتدای زندگی او با داشتن مدرک دانشگاهی، تصور نمی‌کرده که لازم است به دنبال یافتن شغلی باشد. در واقع کنند، اما در میانه مسیر زندگی، همه چیز وارونه شده است. آغاز می‌خوبی‌های نخستین زندگی را به سال ه‌آن

تواند قانون باید به کمک او بیاید. از نظر حقوقی تنها مهریه است که می‌شان سست شده، های زندگی حال که پیوند پرنیان و سامان و پایه مهریه به هیچ او را در این شرایط یاری کند. اما در این شرایط و با توجه به توانایی مالی سامان که در زندگی با پرنیان به آن رسیده است، وجه نمی‌تواند مانع رفتارهای نادرست سامان شود و ادامه این وضع برای پرنیان بسیار دشوار است.

شاید شما هم به این می‌اندیشید که بهترین راه حل برای رهایی این زن درخواست طلاق است. در ادامه می‌بینیم که طلاق در این شرایط و وجود بیاید. که برای مرد مشکلی به آن تواند شکستی برای زن تلقی شود بدون می‌بر اساس قوانین موجود،

اکنون اگر دقیق‌تر به پرنیان و شرایط او نگاه کنیم، در صورت طلاق، جوانی و عمر تلف شده، بیماری و ارائه خدمت به همسر، زایمان و نگهداری کودکان، چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا وضعیت او بهبود می‌یابد؟ این زن و همه زنان مانند او، (در صورت طلاق) نه حق دارند های زندگی دارند، نه امکان مالی برای ادامه حیات خواهند داشت. شده در سال شان باشند و نه سهمی از سرمایه اندوخته کنار فرزندان! بیماری آنها می‌تواند بهترین دلیل برای عدم توانایی در اداره فرزندان محسوب شود

او با دریافت مهریه فقط می‌تواند یک آپارتمان در پایین شهر تهیه کند و در این صورت او چگونه می‌تواند هزینه درمان خود را بدون داشتن بیمه تامین کند؟ تکلیف ادامه زندگی شرافتمندانه او چیست؟

اگر نیمی از ثروت سامان به پرنیان برسد، می‌تواند با بیماری و زندگی کنار بیاید و سال‌های بیشتری زندگی کند. اگر مانند بیشتر کشورهای متمدن دنیا، سامان مجبور باشد پس از طلاق علاوه بر نصف دارایی، نیمی از درآمد سالیانه خود را به او بدهد. در عین حال فرزندان همیشه با او در ارتباط باشند و یا با او زندگی کنند. فقط در این صورت است که عدالت و قانون در جامعه و نسبت به زنانی مانند پرنیان اعمال می‌شود.

پرنیان مانند بسیاری از زنان ایرانی در شرایط مشابه راهی خانه پدری می‌شود، اگر در خانه پدر امکانات مالی و شرایط مناسبی برای ماندن! پرنیان وجود نداشته باشد، سرنوشت او چه خواهد شد؟

این در شرایط کنونی در صورتی که زن بتواند طلاق بگیرد و موفق شود مهریه خود را دریافت کند که البته در بیشتر موارد چنین نیست،! زندگی یک بازنده بزرگ خواهد داشت که بدون شک زن است

اگر به این بخش از مکالمه بین سامان و پرنیان دقت کنیم متوجه شرایط این زن می‌شویم: سامان پرنیان را از خانه بیرون می‌اندازد و کنی و کنم و میری گورت را گم می‌ات پرت می‌را با یک چک توی صورت ات تو دو راه داری، یا همه حق و حقوق مالی" گوید: می‌ها، من هم زندگی خودم بالای سر بچه تمرگی گردی به خانه و می‌کنی، یا برمی‌ها را هم فراموش می‌کنی و بچه پشت سرت را هم نگاه نمی‌کنم. را می

مجبور شد راه دوم را اش را ندارد، ها و شرایط سختی که با آن روبرو است درحالی که امکان کمک گرفتن از خانواده خاطر بچه پرنیان به انتخاب کند و به خانه برگشت.

اما این پایان ماجرا نبود. سامان هرروز پرنیان را آزار روحی داده و با الفاظ رکیک او و خانواده اش را مورد خطاب قرار می‌داد. در نهایت کتک زد و کیفش را خالی کرد، به این معنی که او نباید از خانه چیزی بیرون ببرد، گردن بند "برای چندمین بار جلوی جمعی او را شدیداً طلای او را از گردنش کشید و او را از خانه بیرون انداخت.

پرنیان در آن شرایط مثل یک گنجشک به خود می‌لرزد و بچه‌ها جیغ می‌کشند. پرنیان است و کوله‌باری از ستم که به منزل خواهرش رفته است!

امکان دفاع از چنین قربانیانی وجود دارد؟ مکانیزم لازم برای در اینجا باید پرسید آیا بدون برابری زن و مرد در حقوق انسانی و قانونی، دلیل ضرب و شتم، از شوهرش به دادگاه شکایت های خانگی چیست؟ شاید بگویید چرا این زن به گونه قربانیان خشونت‌حمایت از این نکرده است؟ اما او با وجود این که از شوهرش شکایت کرده، مگر جز محکومیت مرد به دیه مختصر، در دادسراها و دادگاههای کیفری نتیجه دیگری دارد؟ در واقع این نتیجه، برای زن شکست و برای مرد متمول یک جایزه است. شاید گفته شود که در این صورت زن های شغلی خود را هم از دست بینیم که طلاق برای یک زن بیمار که فرصت‌تر نگاه کنیم می‌اما اگر دقیق دست آورد، تواند حق طلاق به می‌داده و حال از سوی مردی بی‌مسئولیت رها شده است، چه سود و فایده‌ای برای این زن خواهد داشت؟

با درک زندگی چنین زن‌هایی، می‌توان پیامدهای قوانین نابرابر بین زن و مرد و نبود قوانین حمایت‌کننده کافی از زنان در دوران زندگی زناشویی و اثرات آن را به‌وضوح دید. همچنین برخورد شدید و جدی با مردانی که نسبت به زنان خود خشونت اعمال می‌کنند، از دیگر حل است، باید ساز و کار قانونی و زمینه‌یک راه راهکارهای حمایت از زنانی است که قربانی این شرایط هستند. همچنین اگر طلاق حمایت‌های حقوقی آن فراهم شود که جدایی مسیری برای وارد شدن زنان مطلقه به گرفتاری‌های بعدی نباشد و این زنان را با آسیب‌های جدید و جدی مواجه نسازد.